

واکاوی روایات شیعی

در ترتیب نزولی بودن مصحف امام علی علیه السلام*

- محمد علی تجری^۱
- محدثه مقیمی نژاد داورانی^۲

چکیده

عقیده به تنظیم مصحف امام علی علیه السلام بر اساس ترتیب نزول، عقیده‌ای دیرینه بین بیشتر محققان شیعه است و در این زمینه به دلایل عقلی و روایی استدلال شده است. در این مقاله، روایات شیعی مورد استناد پژوهشگران شیعه در اثبات این موضوع بررسی شده است. جمع و تألیف مصحف «کما أنزل» توسط امام علی علیه السلام، کتابت مصحف توسط ایشان بر اساس تزیل، آموزش قرآن «کما أنزل» در زمان ظهور و نگارش مصحف به صورت تدریجی و روزنگار، محتوای روایات مورد استناد را تشکیل می‌دهد. نتیجه بررسی حاکی از این است که دلالت این روایات بر تنظیم مصحف امام علیه السلام بر اساس ترتیب نزول، در حدّ یک احتمال در کنار سایر احتمالات است و از این رو استناد به آن‌ها برای اثبات ادعای مذکور مخدوش و ناتمام است. در نتیجه، چگونگی تنظیم و ترتیب مصحف امام علیه السلام از

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۶/۱ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۱۲/۲۱.

۱. استادیار دانشگاه قم (ma.tajari@yahoo.com).

۲. دانشجوی دکتری تفسیر تطبیقی دانشگاه قم (نویسنده مسئول) (m.moghiminejad@yahoo.com).

این روایات به دست نمی‌آید و علم آن به اهل بیت علیهم‌السلام که وارثان آن هستند واگذار می‌شود.

واژگان کلیدی: ترتیب نزول، مصحف امام علی علیه‌السلام، روایات مصحف، قرآن در عصر ظهور.

مقدمه

در بین فریقین، گروهی از دیرباز معتقد بودند که امام علی علیه‌السلام مصحف خود را بر اساس ترتیب نزول قرآن کریم مرتب نموده است. در این جستار نظر به گستردگی موضوع، تنها به بررسی دیدگاه صاحب نظران شیعی پرداخته‌ایم. در بین متقدمان شیعه، شیخ مفید (۱۴۱۳: ۷۹) و در بین متأخران، علامه مجلسی (۱۴۰۳: ۸۹/۷۴: ۱۴۰۴: ۳/۳۱) چنین نگرشی داشته‌اند. در بین معاصران نیز این موضوع به شکلی گسترده مطرح شده است. ابو عبدالله زنجانی (۱۴۰۴: ۵۴)، علامه بلاغی نجفی (۱۴۲۰: ۱۸/۱، پاورقی)، علامه طباطبایی (۱۴۱۷: ۱۲۶/۱۲: ۱۴۲۳: ۱۶۵)، آیه‌الله موسوی خویی (بی‌تا: ۲۲۳)، استاد معرفت (۱۳۸۲: ۸۶)؛ سیدجعفر مرتضی عاملی (۱۴۱۰: ۱۴۷ و ۱۶۰)، محمود رامیار (۱۳۶۹: ۳۷۲)؛ سیدمحمدباقر حجتی (۱۳۷۲: ۳۹۰)، مهدی بازرگان (۱۳۸۵: ۳۶/۱)، جعفر نکونام (۱۳۸۲: ۲۲۳-۹۹: ۱۳۸۶: ۲/۲-۳۵) و ... از معتقدان به نزولی بودن ترتیب مصحف امام علیه‌السلام می‌باشند.

نظر به اینکه طبق عقیده مشهور، شماری از آیات بر خلاف ترتیب طبیعی نزول در سوره‌ها جای گذاری شده‌اند، برخی معتقدند که هم ترتیب سوره‌ها و هم ترتیب آیات در این مصحف بر اساس ترتیب نزول بوده است (ر.ک: طباطبایی، ۱۴۲۳: ۱۲۸/۱۲: زنجانی، ۱۴۰۴: ۵۴: معرفت، ۱۳۸۲: ۸۶: رامیار، ۱۳۶۹: ۳۷۲: حجتی، ۱۳۷۲: ۳۹۰) و برخی دیگر بر این عقیده‌اند که تنها ترتیب سوره‌ها بر اساس ترتیب نزول بوده است (ر.ک: موسوی خویی، بی‌تا: ۲۲۳: عاملی، ۱۴۱۰: ۱۴۷: فقهی‌زاده، ۱۳۷۴: ۵۶: بهجت‌پور، ۱۳۹۲: ۱۵۴)، هرچند این احتمال نیز وجود دارد که همه آیات بر اساس ترتیب طبیعی نزول در سوره‌ها قرار گرفته‌اند و مورد استثنایی ندارد (نکونام، ۱۳۸۶: ۸۱/۲: همو، ۱۳۸۸: ۵۷/۱۹: همو، ۱۳۷۸: ۲۸/۱). بر این اساس، ترتیب سوره‌ها بر اساس ترتیب نزول، ترتیب آیات را نیز در بر دارد و لذا مصحف امام علیه‌السلام تنها در ترتیب سوره‌ها با مصحف رایج اختلاف داشته است (همو،

۱۳۸۶: ش ۱۰۱/۲).

به رغم شهرت عقیده به ترتیب نزولی بودن مصحف امام علیه السلام در بین متأخران شیعه، برخی معتقدند که چینش مصحف امام علیه السلام تفاوتی با مصحف رایج نداشته است (ایازی، ۱۳۸۰: ۱۱۱-۸۱؛ فرشچیان، ۱۳۸۷: ۸۲؛ مهدوی راد، ۱۳۸۴: ش ۳۷-۳۸/۹۸-۱۰۲؛ ناصحیان، ۱۳۸۹: ش ۱۲/۸۰-۸۸؛ ژیان، ۱۳۹۱: ش ۱۸۰/۶۹-۸۳).

به نظر می‌رسد مسئله تنظیم مصحف امام علی علیه السلام بر اساس نزول، نزد اکثر صاحب‌نظران شیعه، جزء مسلمات بوده است و برای اثبات آن استدلالی نیآورده‌اند. برخی همچون آیه‌الله خوبی و آیه‌الله معرفت تصریح نموده‌اند که این مسئله قطعی و مورد اجماع علما و بی‌نیاز از اثبات است (موسوی خوبی، بی‌تا: ۲۲۳؛ معرفت، ۱۳۸۲: ۸۲). در عین حال، برخی برای اثبات این موضوع استدلال‌هایی آورده‌اند که می‌توان آن‌ها را به چند دسته تقسیم نمود: ۱. ادله عقلی؛ ۲. روایات؛ ۳. استناد به سخنان پیشینیان. روایات را می‌توان به دو دسته روایات شیعی و اهل سنت تقسیم نمود. با توجه به گستردگی مباحث، در این جستار تنها به بررسی روایات شیعی مورد استناد و بررسی دیدگاه موافقان و مخالفان راجع به دلالت آن‌ها می‌پردازیم و بررسی سایر ادله را به مجال و مقالاتی دیگر موکول می‌کنیم. مجموعه این روایات را می‌توان به چهار دسته تقسیم کرد: ۱. روایات دال بر جمع و تألیف مصحف «کما أنزل»؛ ۲. روایات دال بر آموزش قرآن «کما أنزل» در زمان ظهور امام زمان علیه السلام؛ ۳. روایات دال بر نگارش مصحف بر اساس تنزیل؛ ۴. روایت دال بر نگارش مصحف به صورت روزنگار. اینک دلالت هر یک از این چهار دسته بررسی می‌شوند.

۱. روایات جمع و تألیف مصحف «کما أنزل»

برخی روایات حاکی از آن است که امیرالمؤمنین علیه السلام مصحف شریف را «کما أنزل الله» (آن گونه که خدا نازل فرموده است) و «کما أنزل» (آن گونه که نازل شده) جمع‌آوری نموده‌اند. در ادامه، روایات مورد استناد را می‌آوریم. ارجاعات دسته اول مربوط به منبع اصلی این روایات و ارجاعات دسته دوم مربوط به منبعی است که به این روایات برای اثبات ترتیب نزولی بودن مصحف امام علیه السلام استناد کرده است.



۱. ... عن أبي عبد الله عليه السلام قال: «لو قد قرئ القرآن كما أنزل لألفيتنا فيه مسمين» (عیاشی، ۱۳۸۰: ۱۳/۱؛ مفید، ۱۴۱۳: ۷۹؛ بهجت‌پور، ۱۳۹۲: ۱۵۶).
۲. ... عن جابر قال سمعت أبا جعفر عليه السلام يقول: «ما ادعى أحد من الناس أنه جمع القرآن كله كما أنزل إلا كذاب وما جمعه وحفظه كما نزله الله تعالى إلا علي بن أبي طالب عليه السلام والأئمة من بعده عليهم السلام (كلینی، ۱۴۰۷: ۲۲۸/۱؛ صفار، ۱۴۰۴: ۱۹۳/۱؛ رامیار، ۱۳۶۹: ۳۷۱؛ بهجت‌پور، ۱۳۹۲: ۱۵۷).
۳. وفي أخبار أبي رافع أن النبي قال في مرضه الذي توفي فيه لعلي: «يا علي! هذا كتاب الله، خذه إليك». فجمعه علي في ثوب فمضى إلى منزله فلما قبض النبي صلى الله عليه وآله جلس علي فألفه كما أنزله الله وكان به عالماً (ابن شهر آشوب مازندرانی، ۱۳۷۹: ۴۱/۲؛ نكونام، ۱۳۸۲: ۱۰۱؛ بهجت‌پور، ۱۳۹۲: ۱۵۶).
۴. اتصل الخبر بأمير المؤمنين عليه السلام ... ألف عليه السلام القرآن وخرج إلى الناس وقد حمله في إزار معه وهو يثبط من تحته، فقال لهم: «هذا كتاب الله قد ألفته كما أمرني وأوصاني رسول الله صلى الله عليه وآله كما أنزل» (مسعودی، ۱۳۸۴: ۱۴۵-۱۴۶؛ نكونام، ۱۳۸۲: ۱۰۳).

استدلال موافقان

كسانی که این روایات را دلیل بر ترتیب نزولی بودن مصحف امام عليه السلام دانسته‌اند، «كما أنزل الله» را به معنای همان ترتیبی می‌دانند که قرآن به آن ترتیب از جانب خداوند نازل شده است (بهجت‌پور، ۱۳۹۲: ۱۰۱؛ موسوی مبلّغ، ۱۳۷۹: ش ۶۸-۶۹/۲۲). برخی نیز به صراحت به این روایات استناد نکرده‌اند، بلکه مستقیماً «كما أنزل الله» را «بر اساس ترتیب نزول» ترجمه کرده‌اند که در واقع نوعی استدلال به این روایت است (رامیار، ۱۳۶۹: ۳۷۱).

در روایات، مشابه این کاربرد درباره ترتیب نزول به کار رفته است. در روایتی که سعید بن مسیب از امام علی عليه السلام در زمینه ترتیب نزول سوره‌های قرآن آورده، این گونه آمده است:

سألت النبي صلى الله عليه وآله عن ثواب القرآن، فأخبرني بثواب سورة سورة على نحو ما نزلت من السماء، فأول ما نزل عليه بمكة فاتحة الكتاب ثم اقرأ باسم ربك ثم ن... (جفری، ۱۳۹۲: ۱۴).

بی‌تردید در این روایت عبارت «علی نحو ما نزلت...» به معنای ترتیب نزول است (نکونام، ۱۳۸۲: ۱۵۳). به هر حال عبارت «علی نحو ما نزلت من السماء» مشابه همان عبارات «کما أنزل الله» و «کما أنزل» است. لذا با توجه به این روایت می‌توان گفت که حداقل یکی از معانی «کما أنزل»، ترتیب بر اساس ترتیب نزول است.

نقد این استدلال

استناد به این روایات برای این برداشت، نقدپذیر است. برخی از نقدها به طور کلی متوجه استدلال به همه این روایات است و برخی دیگر متوجه استدلال به برخی از آنها. در هر حال، منتقدان دلالت عبارت «کما أنزل الله» و «کما أنزل» در این روایات را بر تنظیم مصحف امام علیه السلام بر اساس نزول نمی‌پذیرند.

یکی از منتقدان، روایت دیگری را مشتمل بر عبارت «کما أنزل» مطرح کرده که درباره جمع مصحف امیرالمؤمنین علیه السلام وارد شده است - و ما در استنادات موافقان آن را ندیده‌ایم. وی «کما أنزل» را در آن روایت به معنای «وجود تمام آیات الهی بی‌کم و کاست» دانسته است. آن روایت چنین است:

کان أمير المؤمنين عليه السلام جمعه، فلما جاءهم به قال: «هذا كتاب ربكم كما أنزل علي نبيكم، لم يزد فيه حرف ولم ينقص منه حرف». فقالوا: لا حاجة لنا فيه، عندنا مثل الذي عندك. فانصرف وهو يقول: «فَبَدُّوهُ وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ وَأَشْرَوْا بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا فَبِئْسَ مَا يَشْتَرُونَ» (صدوق، ۱۴۱۴: ۸۶).

وی عبارت «لم يزد فيه حرف ولم ينقص منه حرف» را در این روایت، تأییدی بر این مطلب دانسته است. ایشان با استناد به همین روایت، معنای عبارت «علی تنزیله» را نیز که در روایات بعد بدان خواهیم پرداخت، «وجود تمام آیات الهی بی‌کم و کاست» در مصحف امام علیه السلام دانسته است (فرشچیان، ۱۳۸۷: ۸۲).

البته نباید پنداشت که وجود این خصوصیت برای مصحف امام علیه السلام به این معناست که مصحف رایج، این خصوصیت را ندارد و چیزی از آن کم یا زیاد شده است؛ زیرا اثبات شیء نفی ماعدا نمی‌کند.

منتقدی دیگر درباره دلالت «کما أنزل الله» و «کما أنزل» می‌نویسد:

آن گونه نازل شدن الزاماً به معنای ترتیب نیست. آن گونه نازل شدن به قرائت [در ضبط کلمات و رعایت گویش آن] هم می‌تواند معنا بدهد (ایازی، ۱۳۸۰: ۸۷).

نیز:

این عبارت ظهور در ادعای یادشده ندارد، بلکه به معنای آن است که مصحف علی‌علیه‌السلام از تمام جهات مطابق با قرآنی بود که خدای متعال بر پیامبر ﷺ نازل کرد و خطای املائی هم نداشت... (ناصحیان، ۱۳۸۹: ۸۲).

منتقد دیگر دو احتمال در معنای این جمله می‌دهد:

۱. مراد این است که علی‌علیه‌السلام قرآن را به ترتیب نزول سامان داده است؛ ۲. علی‌علیه‌السلام قرآن را بر اساس تمام آنچه به وحی الهی بر پیامبر ﷺ نازل شده است، سامان داده است؛ یعنی آنچه آیات الهی است و قرآنی - وحیانی است و چهره‌مانندناپذیر و اعجاز‌آمیز دارد و آنچه به صورت تفسیر، تأویل و تبیین این آیات نازل شده بوده است... (مهدوی‌راد، ۱۳۸۴: ش ۳۷-۳۸/۱۰۰).

ایشان سپس شواهد و قرائنی مبنی بر اثبات معنای دوم می‌آورد (همان: ش ۳۷-۳۸/۱۰۱). بر اساس تحلیل اخیر باید نوعی توسعه در عبارات «کتاب الله» و «قرآن» که در این روایات آمده است، قائل شد و آن‌ها را عبارت از الفاظ وحی و تفسیر و بیان آن به صورت جداگانه دانست؛ یعنی چون در روایت آمده است که حضرت علی‌علیه‌السلام قرآن را بر اساس آنچه خدا نازل کرده، جمع کرده است، باید عبارت را به این معنا بدانیم که هم قرآن ملفوظ و معجز و هم قرآنی را که در واقع تفسیر قرآن ملفوظ بوده است، بر اساس آنچه خدا نازل کرده، جمع نموده است.

شهرستانی (قرن ۶) نیز در مقدمه تفسیر خود روایتی آورده است مبنی بر اینکه امیرالمؤمنین علی‌علیه‌السلام بعد از جمع قرآن آن را بر حیوانی بار کردند و به مسجد آوردند و به جماعت گفتند:

... هذا كتاب الله كما أنزله علي محمد ﷺ جمعته بين اللوحين... (۱۳۸۶: ۱۳/۱).

وی در معنای «کما أنزل» می‌نویسد:

فجمعه كما أنزل من غير تحريف وتبديل وزيادة ونقصان وقد كان أشار النبي ﷺ إلى مواضع الترتيب والوضع والتقديم والتأخير (همان).

وی موضع موافق یا مخالفی درباره ترتیب نزولی بودن مصحف اتخاذ نکرده است، اما این توضیح وی برای ما مفید است که معانی بدون تحریف و تغییر، بدون زیاده و نقصان و نیز رعایت صحیح مواضع تقدیم و تأخیر را هم می‌توان از معانی «کما أنزل» در روایات جمع مصحف دانست. البته در این زمینه نیز باید گفت که اثبات شیء نفی ماعدا نمی‌کند و رعایت این موارد در مصحف امام علیه السلام به معنای آن نیست که مصحف رایج، این ویژگی‌ها را ندارد.

در مجموع، جمع و تألیف قرآن «آن گونه که خداوند نازل کرده است» از دید منتقدان ترتیب نزولی بودن مصحف، به یکی از این معانی است: ۱. جمع تمام آیات الهی بی کم و کاست؛ ۲. جمع آوری بر اساس قرائت دقیق؛ ۳. جمع آوری بدون هیچ غلط املائی؛ ۴. تألیف تفسیر واقعی آیات در کنار الفاظ قرآن. با توضیح شهرستانی دو معنا به این احتمالات افزوده می‌شود: ۵. جمع بدون تحریف و تغییر؛ ۶. جمع با رعایت صحیح مواضع تقدیم و تأخیر.

دیدگاه ما

باید گفت که هرچند هم معنای ترتیب نزول و هم سایر معانی گفته شده در عبارت «کما أنزل الله» یا «کما أنزل» محتمل است، هر روایت باید جداگانه بررسی شود تا معلوم گردد که این عبارت در هر روایت چه معنایی می‌تواند داشته باشد.

روایت اول

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

اگر قرآن همان گونه که نازل شده است، خوانده شود، نام ما را در آن خواهی یافت (عیاشی، ۱۳۸۰: ۱۳/۱؛ مفید، ۱۴۱۳: ۷۹).

نظر به تقدم زمانی و اهمیت، روایت مورد استناد شیخ مفید را در آغاز آوردیم.

ایشان با استناد به این روایت می‌نویسد:

امیرالمؤمنین علیه السلام قرآن مُنزل را از ابتدا تا انتها جمع نمود و آن را بر حسب تألیفی که لازم بود، تألیف کرد و مکی را بر مدنی و منسوخ را بر ناسخ مقدم داشت و هر چیزی را در جای خودش قرار داد. به همین دلیل امام صادق علیه السلام فرمود: «اگر قرآن همان گونه

که نازل شده است، خوانده شود، نام ما را در آن خواهی یافت» (۱۴۱۳: ۷۹).

چنان که پیداست، در این روایت سخنی از مصحف امام علیه السلام نیست. شاید وجه استناد ایشان این باشد که قطعاً امیرالمؤمنین علیه السلام مصحف خود را آن گونه که شایسته بود خوانده شود، نگاشته بودند. اما به هر حال درباره دلالت این روایت بر ترتیب نزولی بودن مصحف، تأمل بیشتری لازم است. ای کاش شیخ مفید که به این روایت استناد کرده است، دلالت آن را هم توضیح می‌داد. اگر در مصحف، منسوخ بر ناسخ و مکی بر مدنی مقدم شود و به این وسیله مصحف همان گونه که خداوند نازل کرده است، مرتب شود، آیا نام اهل بیت علیهم السلام در قرآن یافت می‌شود؟ چگونه می‌توان از این روایت چنین برداشتی داشت که نیامدن نام اهل بیت علیهم السلام در مصحف فعلی به علت عدم رعایت ترتیب نزول در آن است؟ بهجت‌پور نیز به رغم استناد به این روایت، توضیحی در دلالت آن نداده است (۱۳۹۲: ۱۵۶).

نکونام که خود از طرفداران نزولی بودن ترتیب مصحف است، به این روایت استناد نکرده و آن را جزء جعلیات غلات می‌داند و معتقد است که نظیر این روایات باید اساساً به دور افکنده شوند (۱۳۸۲: ۱۵۸).

به نظر ما بعید نیست که مراد از این روایت، فهم و دریافت قرآن آن گونه که نازل شده است، باشد؛ یعنی اگر مردم قرآن را آن گونه که خداوند نازل و اراده فرموده، فراگیرند و فهم و تفسیر کنند، ما را به عنوان صاحب مقامات و مناصب الهی در آن خواهند یافت. به عبارت دیگر، احتمال دارد واژه «قرء» در این روایت ناظر به قرائت قرآن همراه با فهم و تفسیر صحیح آن باشد. علامه عسکری بعد از ذکر شواهدی از قرآن و روایات، معنای «اقراء» را در زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تا سال‌های محدودی بعد از آن، به معنای تعلیم تلاوت لفظ همراه با معنای آن می‌داند و مقری را کسی می‌داند که تلاوت لفظ قرآن را همراه با معنای آن آموزش می‌دهد و قاری را کسی می‌داند که لفظ قرآن را همراه با معنای لفظ فرا می‌گیرد (۱۴۱۶: ۲۹۰/۱؛ نیز ر.ک: ۶۹۴/۲ و ۸/۳).

روایت دوم

امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

تنها علی بن ابی طالب و ائمه بعد از او، قرآن را آن گونه که نازل شده است، جمع و حفظ کرده‌اند (کلینی، ۱۴۰۷: ۲۲۸/۱؛ صفار، ۱۴۰۴: ۱۹۳/۱؛ رامیار، ۱۳۶۹: ۳۷۱؛ موسوی مبلّغ، ۱۳۷۹: ۲۲).

در این روایت، سخن درباره جمع قرآن آن گونه که خداوند نازل کرده، می‌باشد. یکی از منتقدان درباره دلالت این روایت می‌نویسد:

اگر این حدیث از امام باقر علیه السلام صادر شده باشد، به نظر می‌رسد ناظر به وحی تفسیری است که تنها در مصحف علی علیه السلام به طور کامل نوشته شده بود و در سایر مصاحف وجود نداشت (ناصحیان، ۱۳۸۹: ۹۲).

البته اثبات این مطلب به استدلال نیاز دارد. دیگری می‌نویسد:

درست است که امیرالمؤمنین گردآورنده قرآن است، اما ائمه بعد از او یعنی فرزندان حضرت، بدون شک گردآورنده آن نیستند. آن‌ها نگه‌دارنده و مفسران واقعی قرآن هستند و گرنه قرآن به صورت ظاهری حداکثر پس از فوت پیامبر صلی الله علیه و آله جمع‌آوری شد، پس جمع و حفظ «کما أنزل الله» نمی‌تواند ناظر به ترتیب قرآن باشد و باید ناظر به معنا و صیانت قرآن از دستبرد معاندین باشد (ایازی، ۱۳۸۰: ۸۶).

کلام این منتقد درباره ائمه بعد از امیرالمؤمنین علیه السلام پذیرفتنی است. افزون بر این، می‌توان شاهد دیگری را مؤید این مطلب دانست که «کما أنزل الله» در این روایات، مرتبط با تفسیر و معناست نه لفظ، و آن روایت ذیل است که از نظر مضمون شبیه به روایت یادشده است؛ زیرا از جمع قرآن توسط اهل بیت علیهم السلام سخن می‌گوید و به طور قطع کاربرد جمع قرآن توسط آنان، مرتبط با فهم معانی و حقایق قرآن و تفسیر است و نه الفاظ آن:

... أبی جعفر علیه السلام أنه قال: ما يستطيع أحد أن يدعی أنه جمع القرآن كله ظاهره وباطنه غیر الأوصیاء (صفار، ۱۴۰۴: ۱۹۳/۱).

حداقل دلالت روایت این است که آگاهی از باطن که مربوط به معناست و نه لفظ، می‌تواند تحت عنوان جمع قرآن بیاید و اگر مراد از ظاهر، معنای ظاهری باشد، جمع ظاهر نیز مرتبط با معناست نه الفاظ. قدر متیقن آنکه جمع باطن در حوزه معناست. لذا جمع قرآن لزوماً ناظر به الفاظ نیست. درباره تعبیر «ما جمعه... کما نزله الله» در این

روایت نیز دلیلی نداریم که جمع مربوط به الفاظ باشد. به نظر می‌رسد در روایاتی با این مضمون که تنها اوصیا همه قرآن را جمع کرده‌اند نیز جمع مرتبط با حوزه معنایی قرآن کریم باشد (ر.ک: همان: ۱۹۳/۱-۱۹۴).

با ملاحظه این روایات، استدلال به روایت مذکور (روایت دوم) برای اثبات ترتیب نزولی بودن مصحف صحیح نیست؛ زیرا با توجه به آنچه گذشت، کاربرد «جمع قرآن کما أنزل» در دریافت معانی، مقاصد و حقایق و صیانت از معنا و تفسیر صحیح قرآن کریم به صواب نزدیک‌تر است.

روایت سوم و چهارم

- وفی أخبار أبي رافع أن النبي قال في مرضه الذي توفّي فيه لعليّ: «يا عليّ! هذا كتاب الله خذهُ إليك». فجمعه عليّ في ثوب فمضى إلى منزله فلما قبض النبي ﷺ جلس عليّ فألفه كما أنزله الله وكان به عالمًا (ابن شهر آشوب مازندرانی، ۱۳۷۹: ۲/۴۱؛ نکونام، ۱۳۸۲: ۱۰۱؛ بهجت‌پور، ۱۳۹۲: ۱۵۶؛ اکرمی، ۱۳۷۹: ۱۱۵).

- اتّصل الخبر بأمر المؤمنين ﷺ... ألف ﷺ القرآن وخرج إلى الناس وقد حمله في إزار معه وهو يئط من تحته فقال لهم: «هذا كتاب الله قد ألفته كما أمرني وأوصاني رسول الله ﷺ كما أنزل» (مسعودی، ۱۳۸۴: ۱۴۵-۱۴۶؛ نکونام، ۱۳۸۲: ۱۰۳).

بر اساس مضمون این دو روایت، حضرت علی علیه السلام مصحف خود را همان گونه که خداوند نازل کرده است، تألیف نمود. در روایت مناقب از وصیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به امیرالمؤمنین علیه السلام درباره جمع قرآن سخن رفته و در انتهای روایت آمده است: «فلما قبض النبي ﷺ جلس عليّ فألفه كما أنزله الله وكان به عالمًا» (ابن شهر آشوب مازندرانی، ۱۳۷۹: ۲/۴۱) و در روایت اثبات الوصیه آمده است که امام، قرآن را گردآوری کرد و در پارچه‌ای حمل نمود و خطاب به جماعت فرمود:

هذا كتاب الله قد ألفته كما أمرني وأوصاني رسول الله ﷺ كما أنزل (مسعودی، ۱۳۸۴: ۱۴۵-۱۴۶؛ نکونام، ۱۳۸۲: ۱۰۱-۱۰۳؛ بهجت‌پور، ۱۳۹۲: ۱۵۶).

مهم‌ترین تعبیر در این دو روایت، «تألیف» است. موافقان، این تعبیر را شاهی قوی بر این ادعا می‌دانند که مراد از «کما أنزل الله» تألیف و تنظیم مصحف بر اساس ترتیب نزول است. نکونام مراد از تألیف کتاب را گردآوری و به هم پیوستن می‌داند و

استناداتی را از لغت، روایات و... برای تأیید نظر خود می‌آورد (۱۳۸۲: ۱۲۷-۱۳۰). بهجت‌پور نیز به این عبارت استناد کرده است (۱۳۹۲: ۱۵۶). باید گفت همان طور که اظهار شده، معنای تألیف، گردآوری و به هم پیوستن است و کلام دو تن از لغویان در این زمینه کفایت می‌کند. خلیل بن احمد فراهیدی می‌نویسد:

هر چیزی که قسمتی از آن را به قسمت دیگر وصل نمودی، آن را تألیف کرده‌ای (۱۴۱۰: ۳۳۶/۸).

و ابن منظور می‌نویسد:

«أَلَّفْتُ الشَّيْءَ» وقتی قسمتی را به قسمت دیگر وصل نمودم و تألیف کتب نیز از همین جمله است (۱۴۱۴: ۱۰/۹).

طبعاً وصل نمودن اجزای یک چیز، ترتیب را نیز به همراه دارد و بدون ترتیب انجام نمی‌شود. لذا به هم پیوستن کتاب الهی، همان گونه که خداوند آن را نازل کرده است، می‌تواند به معنای نگارش آن بر اساس ترتیب نزول باشد. اما آیا این تنها معنایی است که از عبارت «تألیف کما أنزل» به ذهن متبادر می‌شود؟ چنان که گذشت، درباره «کما أنزل» در این روایات، معنای دیگری نیز به چشم می‌خورد. از بین معانی گفته شده، دو معنا در اینجا محتمل است: ۱. رعایت مواضع تقدیم و تأخیر (رعایت تقدیم و تأخیر در آیات و سوره‌ها آن گونه که خداوند به پیامبرش دستور داده است)؛ ۲. نگارش همه آیات بدون کم و کاست و افزایش.

یکی از منتقدان در این زمینه می‌گوید:

اگر بپذیریم که ترتیب آیات و سوره یا دست کم ترتیب آیات توقیفی است؛ یعنی رسول خدا ﷺ ترتیب آیات و سوره را بر اساس آنچه به ایشان وحی شده و با اشاره جبرئیل منظم و مرتب نمود، جمله «فألفه کما أنزل» به معنای تألیف و ترتیب قرآن بر اساس آنچه خداوند به وسیله وحی بر پیامبر ﷺ نازل فرمود، خواهد بود (ر.ک: ژبان، ۱۳۹۱: ش ۷۶/۱۸۰).

وی بر اساس پیش فرض توقیفی بودن ترتیب آیات، همان احتمال اول یعنی رعایت مواضع تقدیم و تأخیر را در معنای «تألیف کما أنزل الله» مطرح می‌کند.

در این پژوهش، مجالی برای بررسی ادله توقیفی بودن کنونی ترتیب آیات نیست،

تنها به این مختصر اشاره می‌کنیم که دیدگاه بسیاری از علمای فریقین این است که ترتیب آیات توقیفی است (برای نمونه ر.ک: سیوطی، ۱۴۲۱: ۲۱۴/۱؛ زرکشی، ۱۴۱۰: ۳۵۳/۱؛ زرقانی، بی‌تا: ۳۴۰/۱؛ عاملی، ۱۴۱۰: ۱۴۶؛ معرفت، ۱۴۱۵: ۲۷۶/۱). با مفروض دانستن توقیفی بودن ترتیب آیات، دلالت این روایت بر ترتیب نزولی بودن مصحف امام علیه السلام پذیرفته نیست و دربارهٔ جمله «الْفَهْ كَمَا أَنْزَلَ» دو احتمال است؛ رعایت مواضع تقدیم و تأخیر و نگارش همهٔ آیات بدون کم و کاست و افزایش.

روایت پنجم

بر اساس این روایت، شخصی در حضور امام صادق علیه السلام قرآن را به گونه‌ای متفاوت قرائت کرد و امام ایشان را از این نحوهٔ قرائت باز داشت و فرمود:
همان گونه که مردم قرائت می‌کنند، تو نیز قرائت کن. تا زمانی که حضرت قائم ظهور کند و مصحف امام علیه السلام را که «کما أنزل الله» نگاشته شده است، ارائه نماید (کلینی، ۱۴۰۷: ۶۳۳/۲؛ نیز ر.ک: صفار، ۱۴۰۴: ۱۹۴/۱؛ بهجت‌پور، ۱۳۹۲: ۱۵۷).

دیدگاه برخی موافقان

یکی از موافقان، دربارهٔ این روایت می‌نویسد:

عبارت «کما أنزل» می‌تواند ابعاد گوناگونی داشته باشد، از جمله ترتیب آیات، ترتیب سوره‌ها، کلمات و الفاظ، آن گونه که نازل شده است. با توجه به آنکه تغییر و تبدیل در آیات قرآن ممنوع است، تغییر ترتیب آیات در سوره‌ها امری بسیار مشکوک یا محدود است. حداقل مورد مسلم از مصادیق آن، ترتیب نزول سوره‌ها خواهد بود (بهجت‌پور، ۱۳۹۲: ۱۵۷).

نقد این دیدگاه

در ردّ این برداشت باید گفت که با توجه به صدر روایت، مفاد عبارت «کما أنزل الله» باید امری مربوط به قرائت الفاظ قرآن باشد نه ترتیب سوره‌ها. شخص مذکور قرائت متفاوتی داشته است و امام علیه السلام وی را از آن نحوهٔ قرائت نهی می‌فرماید. حمل قرائت در عبارت «قرأ رجل علی ابي عبد الله علیه السلام وأنا أستمع حروفاً من القرآن لیس علی ما یقرأها الناس. فقال أبو عبد الله علیه السلام: كُفَّ عَنْ هَذِهِ الْقِرَاءَةِ اقْرَأْ كَمَا يَقْرَأُ النَّاسُ» بر

متفاوت خواندن ترتیب سوره‌ها صحیح نیست. همچنین به طور کلی منع از متفاوت خواندن ترتیب سوره‌ها نیز معقول نیست. اینکه نویسنده تفاوت در کلمات و الفاظ را ممنوع می‌داند، اگر مراد وی اختلاف قرائت است، باید گفت طبق برخی دیدگاه‌ها، تحریف در سطح تغییر قرائت در قرآن کریم اتفاق افتاده است (موسوی خویی، بی‌تا: ۱۹۸). یکی از منتقدان نیز در معنای این روایت می‌نویسد:

بحث درباره ترتیب نیست، بحث درباره قرائت و مطابقت با ضبطی است که بر پیامبر ﷺ نازل شده است (ایازی، ۱۳۸۰: ۸۶).

لذا این روایت بر تفاوت الفاظ مصحف امام علی علیه السلام با مصحف رایج دلالت دارد. البته ما در اینجا در پی دفاع از دلالت این روایت نیستیم به ویژه با توجه به اینکه سند معتبری هم ندارد (ر.ک: حلی، ۱۳۴۲: ۱۶۵؛ مجلسی، ۱۴۰۴: ۵۲۳/۱۲، ح ۲۳؛ فانی اصفهانی، ۱۴۱۱: ۷۲). بنابراین این روایت نمی‌تواند ارتباطی به ترتیب سوره‌ها بر اساس نزول در مصحف داشته باشد.

روایت ششم

در این روایت بعد از بیان گردآوری قرآن از نوشت افزارهای موجود در خانه پیامبر توسط امام علی علیه السلام از زبان ایشان آمده است: «لو أنّ الناس قرؤوا القرآن كما أنزل الله ما اختلف اثنان» (قمی، ۱۴۰۴: ۴۵۱/۲؛ بهجت‌پور، ۱۳۹۲: ۱۵۷) که دلالت بر آن دارد که مصحف امام علیه السلام، «کما أنزل الله» سامان یافته است. بهجت‌پور می‌نویسد: بر اساس این روایت، رعایت ترتیب سوره‌ها و آیات قرآن در قرائت، زمینه اختلافاتی را که ناشی از ندانستن حقیقت مراد خدای تعالی است، از بین می‌برد (۱۳۹۲: ۱۵۸).

باید گفت که چند احتمال در معنای این روایت مطرح است: ۱. کاهش یا افزایش یا تغییری در مصحف فعلی رخ داده است که اگر رخ نمی‌داد، اختلافی نیز در تفسیر قرآن به وجود نمی‌آمد؛ ۲. قرائت واقعی قرآن با قرائت رایج مصحف تفاوت دارد و اگر قرائت واقعی رایج بود، اختلافات تفسیری از بین می‌رفت؛ ۳. ترتیب مورد رضای خداوند، ترتیب نزول است که در مصحف فعلی رعایت نشده است و اگر رعایت می‌شد، اختلافات تفسیری به وجود نمی‌آمد؛ ۴. منظور قرائت همراه با توضیحات

تفسیری است.

معنای اول مردود است؛ چرا که بر تحریف قرآن کریم دلالت می‌کند. درباره معنای دوم نیز باید گفت که بعید است تفاوت قرائت در مصحف امام علیه السلام با مصحف رایج به قدری زیاد باشد که با قرائت قرآن طبق مصحف امام علیه السلام، اختلافات تفسیری گسترده از بین برود. در این صورت باید گفت که مصحف ایشان تفاوت‌های کلی با قرآن کریم دارد. معنای سوم به لحاظ منطقی نمی‌تواند صحیح باشد؛ زیرا همه اختلافاتی که درباره فهم و تفسیر قرآن کریم وجود دارد، از طریق مطالعه قرآن بر اساس ترتیب نزول از بین نمی‌رود.

یکی از پژوهشگران در نقد دلالت این روایت بر لزوم مطالعه قرآن به ترتیب نزول

می‌نویسد:

بسیاری از زمینه‌های پیدایش اختلافات تفسیری هیچ ربطی به موضوع تاریخ نزول ندارد. به طور کلی می‌توان گفت که عمده اختلافات تفسیری از سه ناحیه ناشی می‌شود: متن قرآن، موقعیت نزول آیات و شخصیت مفسر. در متن قرآن، اموری چون اشتراک لفظی، حقیقت و مجاز، معانی حروف، مرجع ضمیر، وجوه اعراب، اختلاف در تقدیر، اجمال لفظ و اختلاف قرائت موجب اختلاف در تفسیر شده است... (شاکر، ۱۳۸۹: ش ۶۲-۶۳/۱۱۷).

باید از صاحبان این نظریه پرسید که آیا اختلافاتی از قبیل اینکه چه چیز در تقدیر است یا اختلاف در وجوه اعرابی، با مرتب نمودن قرآن بر اساس ترتیب نزول برطرف خواهد شد؟ به نظر می‌رسد این ادعا که با قرائت قرآن بر اساس ترتیب نزول، اختلافات تفسیری برطرف می‌گردد، اثبات‌شدنی نباشد.

اما معنای چهارم پذیرفتنی است. بر اساس این معنا اگر مردم قرآن را آن گونه که خدا نازل و اراده فرموده است، می‌فهمیدند و تفسیر می‌کردند یعنی آن را با توضیحات تفسیری‌اش که بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نازل شده بود، قرائت و فهم می‌کردند، اختلافی در تفسیر قرآن پیش نمی‌آمد. توضیح آنکه طبق برخی روایات، در عهد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم قرآن را با توضیحات تفسیری آن می‌خواندند چنان که از ابن مسعود و زر بن عبدالله نقل شده است:

﴿يَا أَيُّهَا الرُّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ﴾ أَنْ عَلَيَّا مَوْلَى الْمُؤْمِنِينَ ﴿وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ﴾ (سبوتی، ۱۴۰۴: ۲۹۸/۲؛ حسکانی، ۱۴۱۱: ۲۵۶/۱).

نتیجه این بخش

در بین روایاتی که در آن‌ها عبارت «کما أنزل» در وصف مصحف امام علی علیه السلام به کار رفته است، روایتی که دلالت بر ترتیب مصحف بر اساس نزول داشته باشد، به چشم نمی‌خورد.

۲. آموزش قرآن «کما أنزل» در زمان ظهور امام زمان علیه السلام

موافقان ترتیب مصحف بر اساس نزول معتقدند که بر اساس برخی روایات، مصحف امام زمان علیه السلام بر اساس ترتیب نزول است. از سوی دیگر بر اساس برخی روایات دیگر، مصحف ایشان در واقع همان مصحف حضرت علی علیه السلام است، پس ترتیب نزولی بودن مصحف آن حضرت نیز از این طریق اثبات می‌شود. مانند مورد قبل، ارجاعات دسته اول مربوط به منابع اصلی روایت و ارجاعات دسته دوم مربوط به منابعی است که به این روایات استناد کرده‌اند.

- روی جابر عن ابی جعفر علیه السلام أنه قال: «إذا قام قائم آل محمد علیه السلام ضرب فساطيط لمن يعلم الناس القرآن علی ما أنزل الله جل جلاله فأصعب ما يكون علی من حفظه اليوم لأنه يخالف فيه التألیف (مفید، بی‌تا: ۳۸۶/۲؛ نکونام، ۱۳۸۲: ۱۰۵؛ کورانی عاملی، بی‌تا: ۳۵۲؛ صالحی، ۱۳۸۹: ۱۷).

- ... قال أمير المؤمنين علیه السلام كأنی أنظر إلى شیعتنا بمسجد الكوفة قد ضربوا الفساطيط يعلمون الناس القرآن كما أنزل. أما إن قائمنا إذا قام كسره وسوی قبلته (ابن ابی زینب، ۱۳۶۲: ۳۱۷-۳۱۸؛ نکونام، ۱۳۸۲: ۱۰۵).

روایت اول

در این روایت آمده است: هر گاه به پاخیزنده خاندان محمد صلی الله علیه و آله به پا خیزد، خیمه‌هایی می‌زند برای کسانی که قرآن را همان طور که خداوند جل جلاله نازل کرده است، آموزش می‌دهند. پس چه دشوار است برای کسانی که امروز آن را فرا گرفته‌اند؛ چرا که آن مصحف با مصحف رایج در تألیف اختلاف دارد. برخی درباره این روایت معتقدند

که این روایت به روشنی دلالت دارد بر اینکه در زمان حضرت قائم علیه السلام، اصل قرآن به مردم تعلیم داده خواهد شد، نه تفسیر و شأن نزول آن؛ ثانیاً این تعلیم به ترتیب نزول است و بنابراین ترتیب آن با ترتیب مصحف موجود اختلاف دارد. به همین رو، آنان که قرآن را به ترتیب مصحف موجود حفظ کرده‌اند، حفظ آن را به ترتیب نزول دشوار می‌یابند. این قرائن در این روایت به وضوح بیان می‌کند که مصحف زمان حضرت قائم علیه السلام به ترتیب نزول نوشته شده است. این روایت در کنار روایاتی که دلالت دارند بر اینکه آن حضرت با کتابی جدید می‌آید (ابن ابی‌زینب، ۱۳۶۲: ۱۹۴، ۲۲۳، ۲۵۵، ۲۶۲-۲۶۳) یا آن حضرت مصحف علی علیه السلام را به جای مصحف موجود رواج می‌دهد (کلینی، ۱۴۰۷: ۲/۶۳۳؛ صفار، ۱۴۰۴: ۱/۱۹۳؛ طبرسی، ۱۴۰۳: ۱/۱۵۶)، به روشنی حکایت دارد از اینکه مراد از قرآن در روایت جابر، همان قرآن امام زمان علیه السلام و قرآن آن حضرت همان قرآن امام علی علیه السلام است و بنابراین وقتی ثابت شود که قرآن امام زمان علیه السلام موافق نزول است، ثابت خواهد شد که قرآن امام علی علیه السلام موافق نزول بوده است (نکونام، ۱۳۸۶: ش ۲/۹۶-۹۷؛ نیز ر.ک: بهجت‌پور، ۱۳۹۲: ۱۶۰).

روشن است که در این استناد، «تألیف» به معنای ترتیب است. در صورت صحت این معنا، دلالت این روایت درباره تفاوت در ترتیب آیات است؛ زیرا بدیهی است که صرف اختلاف در ترتیب سوره‌ها موجب دشواری قرائت و حفظ برای حافظان قرآن نمی‌شود (ر.ک: ناصحیان، ۱۳۸۹: ش ۸۲/۱۲).

در مقام قضاوت باید گفت که این روایت دلالتی ندارد بر اینکه ترتیب مصحف امام زمان علیه السلام بر اساس ترتیب نزول است. اگر «تألیف» را بدون هیچ تردیدی به معنای «ترتیب» بدانیم، این روایت می‌رساند که ترتیب مصحف ایشان با مصحف رایج متفاوت است و لذا کسانی که آن را با ترتیب کنونی حفظ نموده‌اند، دچار مشکل می‌شوند. اما اینکه این ترتیب، ترتیب بر اساس نزول است یا غیر آن، باید از روایات دیگر برداشت شود. اگر روایت معتبری یافت شود که دلالت بر ترتیب نزولی بودن مصحف امام علیه السلام داشته باشد، این روایت را می‌توان مؤیدی برای آن دانست.

اما باید دقت کرد که اصل روایت مذکور مخدوش است. همان طور که گفتیم، بر اساس دیدگاه بسیاری از علمای فریقین، ترتیب آیات توقیفی است و به دنبال آن

اظهاراتی وجود دارد مبنی بر اینکه تغییر و تفاوت در ترتیب آیات، به نوعی تحریف می‌انجامد (جوان آراسته، ۱۳۸۰: ۱۵۶؛ ناصحیان، ۱۳۸۹: ش ۸۲/۱۲). با مفروض دانستن صحت این ادعاها باید گفت که روایت فوق که بر تفاوت ترتیب آیات در مصحف امام علیه السلام با مصحف رایج دلالت می‌کند، پذیرفتنی نیست، به ویژه با توجه به مرسل بودن روایت که اعتبارش را مخدوش می‌کند. شاید به همین دلیل گفته شده است:

احتمال می‌رود که عبارت پایانی این روایت «فأصعب ما يكون على من حفظه اليوم لأنه يخالف فيه التأليف» سخن شیخ مفید یا یکی از راویان حدیث مزبور باشد که برای توضیح به پایان آن اضافه شده است (ناصریان، ۱۳۸۹: ش ۸۰/۱۲).

تلاش نافرجام برای رفع تعارض

برخی تلاش نموده‌اند که به گونه‌ای مشکل مخالفت مصحف امام زمان علیه السلام با مصحف کنونی را در تألیف حل نمایند. این تلاش‌ها از سوی کسانی انجام شده است که قائل به توقیفی بودن ترتیب آیات در مصحف رایج هستند و تألیف را در این روایت به معنای ترتیب می‌دانند. از این رو گفته‌اند:

... پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم همان کسی است که به این نحو آن را تألیف نمود. اما مصلحت اقتضا می‌کند که امام مهدی عجل الله تعالی فرجه بر اساس ترتیب نزول قرآن را به مردم پیاموزد (عاملی، ۱۴۱۰: ۱۴۹).

در این پاسخ، ارتباط بین مصحف امام زمان علیه السلام با مصحف امیرالمؤمنین علیه السلام نادیده گرفته شده است، در حالی که باید گفت بر اساس برخی روایات، مصحف امام زمان علیه السلام همان مصحف حضرت علی علیه السلام است که پس از ظهور، تعلیم و نشر می‌دهند (صقار، ۱۴۰۴: ۱/۱۹۳؛ کلینی، ۱۴۰۷: ۶۳۳/۲؛ هلالی، ۱۴۰۵: ۶۵۶-۶۶۰). با توجه به این موضوع، در صورت مطرح کردن پاسخ فوق با این محذور مواجهیم که مصحف امیرالمؤمنین علیه السلام نیز در تألیف با مصحف رایج متفاوت بوده است و آنگاه باید به این سؤالات پاسخ داد که اگر چنین آیات توقیفی بوده، چرا مصحف امیرالمؤمنین در تألیف با آن متفاوت بوده است؟ و آیا لازمه سخن مذکور، ارائه مصحفی بر خلاف توقیف پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم توسط امام علی علیه السلام نیست؟

روایت دوم

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:

گویی می‌بینم که شیعیان ما در مسجد کوفه خیمه‌ها زده‌اند و قرآن را به همان طور که نازل شده، به مردم می‌آموزند. آگاه باشید قائم ما هنگامی که قیام کرد آن را می‌شکند و قبله‌اش را درست می‌کند (ابن ابی‌زینب، ۱۳۹۷: ۳۱۷-۳۱۸؛ بهجت‌پور، ۱۳۹۲: ۱۵۹).

در شرح «إِنَّ قَائِمَنَا إِذَا قَامَ كَسْرَهُ وَسَوَّى قِبَلْتَهُ» برخی گفته‌اند:

محتمل است که محراب مسجد در زمان ظهور، ساختمانی و هیئت‌ی داشته باشد غیر مناسب با شئون مسجد و عبادت و لذا آن حضرت آن ساختمان را خراب و با زمین مساوی می‌کند (ابن ابی‌زینب، ۱۳۶۲: ۳۷۴).

به نظر می‌رسد الفاظ این روایت دلالتی بر این مطلب ندارد که آموزش قرآن «کما أنزل» در زمان ظهور حضرت قائم علیه السلام انجام می‌پذیرد. در این روایت گفته شده که شیعیان قرآن را آن گونه که نازل شده است، آموزش می‌دهند و بعد از آن، قیام حضرت قائم علیه السلام مطرح شده است. به فرض اگر این روایت دلالت داشته باشد که تعلیم قرآن «کما أنزل» مربوط به دوران ظهور است، از آن لزوماً تفاوت ترتیب مصحف امام زمان علیه السلام با مصحف فعلی استفاده نمی‌شود. در این روایت، آموزش قرآن «آن گونه که نازل شده» بیان شده است. احتمال دارد که این آموزش مربوط به تفسیر صحیح قرآن باشد، همان گونه که دربارهٔ بیشتر روایات مربوط به جمع و تألیف مصحف «کما أنزل» همین احتمال را قوی دانستیم و نمی‌توان این روایت را با توجه به روایت پیشین، دالّ بر نزولی بودن ترتیب مصحف امام دانست؛ زیرا اشاره شد که روایت پیشین نیز دلالتی بر ترتیب نزول ندارد.

۳. جمع و نگارش مصحف بر اساس تنزیل

بنا به روایتی، حضرت علی علیه السلام قرآن را بر اساس تنزیل آن نگاشته است. به این روایت نیز برای اثبات ترتیب نزولی بودن مصحف آن حضرت استناد شده است. اینک آن روایت:

فی روایة سلیم بن قیس الہلالی عن سلمان الفارسی رضی اللہ عنہ أنه قال: ... فلمّا رأى علی رضی اللہ عنہ غدّهم وقلة وفائهم لزم بيته وأقبل على القرآن يؤلفه ويجمعه فلم يخرج حتى جمعه كلّه، فكتبه على تنزيله والناسخ والمنسوخ (طبرسی، ۱۴۰۳: ۸۲/۱؛ زنجانی، ۱۴۰۴: ۷۴).

در روایت سلیم بن قیس هلالی از سلمان نقل شده که حضرت علی رضی اللہ عنہ وقتی نیرنگ و بی وفایی مردم را دید، در خانه نشست و به تألیف و جمع آوری قرآن مشغول شد و از خانه خارج نشد تا همه قرآن را جمع آوری کرد، پس آن را مطابق تنزیل و ناسخ و منسوخ نگاشت.

تقریب استدلال

لفظ «تنزیل» در روایت مذکور با در نظر گرفتن شواهد ذیل به معنای ترتیب نزول دانسته شده است: ۱. ریشه لغوی؛ ۲. کتاب‌هایی که به نام *تنزیل القرآن* نوشته شده‌اند؛ ۳. روایت سعید بن مسیب درباره ثواب تلاوت سوره‌های قرآن.

ریشه لغوی

برخی از لغویان میان انزال و تنزیل تفاوتی نگذاشته‌اند. ابن منظور می‌نویسد: «أنزله ونزّله بمعنی» (۱۴۱۴: ۶۵۶/۱۱). اما برخی دیگر بین این دو تفاوت قائل‌اند. راغب اصفهانی می‌نویسد:

والفرق بین الإنزال والتنزیل فی وصف القرآن والملائكة أن التنزیل یختصّ بالموضع الذی یشیر إلیه إنزأله مفرّقاً ومرة بعد أخرى والإنزال عامّ (۱۴۱۲: ۷۹۹).

بر همین اساس، برخی «تنزیل» را به نزول تدریجی مرتبط دانسته و عبارت «علی تنزیله» در روایات بالا را به معنای «بر اساس ترتیب نزول» معنا نموده‌اند (اکرمی و مرتضوی، ۱۳۹۱: ش ۱۱۶/۱۱).

اما یکی از منتقدان در این باره می‌نویسد: اگر در استدلال به معنای مورد بحث، گفته شود که تنزیل بر نزول تدریجی دلالت دارد، در نتیجه، حضرت مصحف خویش را بر اساس نزول تدریجی آن مرتب نمود، باید گفت که به باور بعضی از لغویان، «تنزیل» با «انزال» هیچ تفاوتی در معنا ندارند (همچون ابن منظور که به دیدگاه وی

اشاره شد) و هر دو به معنای فرو فرستادن است. با دقت در کاربردهای قرآنی نیز دیده می‌شود که گاهی «تنزیل» به معنای «نزول دفعی» است. بنابراین دلالت «تنزیل» بر «نزول تدریجی» قطعی و مسلم نیست و قید تدریجی و دفعی بودن آن را باید از قرائن دیگر تشخیص داد (ژیان، ۱۳۹۱: ش ۷۵/۱۸۰). وی به آیات ۱۵۳ سوره نساء، ۷ انعام و ۹۳ اسراء اشاره می‌کند که تنزیل در آن‌ها به معنای نزول دفعی است (همان: ش ۸۲/۱۸۰).

معنای دیگری که برای تنزیل گفته شده است و ممکن است با ترتیب نزول ارتباط داشته باشد، دیدگاه ابن منظور است که یکی از معانی تنزیل را ترتیب می‌داند: «التنزیل أَيْضًا الترتيب» (۱۴۱۴: ۶۵۷/۱۱) و نکونام به این نظریه استناد می‌کند (۱۳۸۲: ۱۴۸)، حال آنکه ترتیب، دلالتی بر ترتیب نزول ندارد و کتابت مصحف به ترتیب آن (علی تنزیله) دلالت بر کتابت آن به ترتیب نزول ندارد، لذا استناد به لغت در این زمینه مفید نیست.

کتبی با نام «تنزیل القرآن»

برخی، کتاب‌هایی با عنوان «تنزیل القرآن» را که در آن‌ها روایات ترتیب نزول سوره‌های قرآن آمده است، از مواردی دانسته‌اند که واژه «تنزیل» به طور قطع به معنای ترتیب نزول است و ظاهراً این مسئله را مؤیدی دانسته‌اند که لفظ «تنزیل» در روایات مربوط به مصحف امام علیه السلام نیز به معنای ترتیب نزول است؛ از جمله کتب ذیل در این زمینه معرفی شده است: *تنزیل القرآن* محمد بن مسلم زهری (۵۰-۱۲۳ ق.)؛ *تنزیل القرآن* عطاء خراسانی (۵۰-۱۳۵ ق.)؛ *کتاب التنزیل و ترتیبه* حسن بن محمد نیشابوری (ت ۴۰۶ ق.) (همان: ۱۵۳-۱۵۴).

در نقد این استدلال باید گفت: عنوان کامل کتاب محمد بن مسلم زهری عبارت است از *تنزیل القرآن بمکة و المدینه*. در این کتاب یکی از روایات ترتیب نزول قرآن آمده است. اما باید دقت کرد همان طور که از عنوان کتاب پیداست، به نزول قرآن در مکه و مدینه توجه شده است و خود واژه «تنزیل» به تنهایی چنین بار معنایی را ندارد. درباره کتاب عطاء خراسانی نیز که نام کامل آن *تنزیل القرآن و تفسیره و ناسخه و منسوخه* است و داوودی در *طبقات المفسرین* آن را معرفی کرده است (داوودی، بی‌تا: ۳۸۵/۱) توضیحی نیامده که ترتیب نزول در آن آمده است یا خیر و بدون دلیل نمی‌توان چنین

برداشتی داشت. همچنین فؤاد سزگین نیز که از کتاب *التنزیل و ترتیبه* نگاشته حسن بن محمد نیشابوری نام برده است (۱۴۱۲: ۱۰۹/۱) توضیحی درباره این کتاب نداده است. لذا نمی‌توان ارتباطی میان نام این کتاب‌ها با ترتیب نزول قائل شد.

روایت سعید بن مسیب

مشابهت لفظ تنزیل با عبارت «علی نحو ما نزلت من السماء» در روایت سعید بن مسیب از امام علی علیه السلام که در آن ثواب قرائت سوره‌های قرآن به ترتیب نزول آن‌ها ذکر شده است (جفری، ۱۳۹۲: ۱۴)، از شواهد دلالت این عبارت بر ترتیب نزول است. در بخش اول با این روایت آشنا شدیم. یکی از محققان درباره این عبارت می‌نویسد: بی‌تردید در این روایت عبارت «علی نحو ما نزلت» نظیر «کما أنزل» و «علی تنزیله» و به معنای ترتیب نزول است (نکونام، ۱۳۸۲: ۱۵۳).

بر عکس موارد پیشین، این روایت احتمال دلالت عبارت «علی تنزیله» را بر ترتیب نزول تقویت می‌کند. لذا لفظ «تنزیل» نه به لحاظ ریشه لغت و نه به لحاظ کتبی با نام‌های «تنزیل القرآن» بلکه به دلیل مشابهت با لفظ «علی نحو ما نزلت من السماء» در این روایت، ممکن است به معنای ترتیب نزول باشد.

روایت مورد استناد در رد دلالت «تنزیل» بر «ترتیب نزول»

هرچند روایت سعید بن مسیب قرینه‌ای بر اثبات نظر موافقان است، در نظر گرفتن استنادات مخالفان نیز ضروری است. یکی از منتقدان، در این باره به روایتی متفاوت استناد نموده، می‌نویسد:

عبارت «علی تنزیله» و همانند آن - که پیشتر به آن‌ها اشاره شد - نمی‌تواند دلیلی مطمئن بر ترتیب مصحف بر اساس نزول قرآن باشد؛ چرا که احتمالات دیگری نیز داده می‌شود... بعید نیست مراد از این نمونه عبارات وجود تمام آیات الهی بی‌کم و کاست در مصحف علی علیه السلام باشد. روایاتی از آن حضرت علیه السلام چنین نظری را تقویت می‌کند (فرشچیان، ۱۳۸۷: ۸۲).

وی در ادامه به روایتی از شیخ صدوق اشاره می‌کند که در آن لفظ «کما أنزل» درباره جمع مصحف امام علیه السلام است و در توضیح این لفظ آمده است: «لم یزد فیه

حرف ولم ینقص منه حرف) (همان: رک: صدوق، ۱۴۱۴: ۸۶). پیش از این با روایت فوق آشنا شدیم. باید گفت که این روایت قرینه‌ای است بر کاربرد عبارت «علی تنزیله» در معنای «بی‌کم و کاست و بدون زیاده»؛ زیرا عبارت «علی تنزیله» مشابه عبارت «کما أنزل» در این روایت است.

نتیجه این بخش

با توجه به دو روایت اشاره‌شده، به نظر می‌رسد عبارت «علی تنزیله» در دو معنای «نگارش بر اساس ترتیب نزول» و «نگارش بی‌کم و کاست و بدون زیاده» مجمل است. لذا از عبارت «کتابه علی تنزیله» نمی‌توان نگارش مصحف امام علیه السلام بر اساس ترتیب نزول را نتیجه گرفت؛ زیرا دلالت جمله مذکور بر ادعای یادشده، حداکثر در حدّ یک احتمال است و با چنین روایتی از نظر دلالت (با قطع نظر از سند) نمی‌توان چنین دیدگاهی را اثبات نمود.

نکته: روایتی مشابه حاوی لفظ «تنزیل»

در پایان این بخش، این مطلب را به مناسبت و نیز برای تکمیل بحث بیفزاییم که برای اثبات تألیف و نگارش مصحف امام علیه السلام بر اساس نزول، به روایت دیگری نیز که شامل لفظ تنزیل است، استناد شده و آن روایت چنین است:

... عن أبي الحسن عليه السلام قال: سألت أبي فقلت له: ما كان بعد إفاقة صلى الله عليه وآله؟ قال: عليه السلام: فينا أنا كذلك، إذ نودي أين علي، فأقبلت حتى دخلت إليه فانكببت عليه، فقال لي: يا أخی... فإذا قبضت وفرغت من جميع ما وصيتك به وغيبتني في قبری فالزم بيتك واجمع القرآن على تأليفه والفرائض والأحكام على تنزیله (الشریف الرضی، ۱۴۰۶: ۷۳-۷۲؛ نکونام، ۱۳۸۲: ۱۰۲).

امام کاظم علیه السلام در این روایت می‌فرماید که از جمله وصایای پیامبر اکرم صلى الله عليه وآله به امیرالمؤمنین عليه السلام این است: «... هر گاه [جانم] برگرفته شد، در خانه‌ات بمان و قرآن را طبق تألیفش و واجبات و احکام را وفق تنزیلش گرد آر!».

اما به نظر می‌رسد استناد به این روایت برای اثبات ادعای یادشده، دقیق نیست؛ زیرا در آن، عبارت «اجمع القرآن على تأليفه والفرائض والأحكام على تنزیله» آمده و آن

به معنای جمع قرآن بر اساس تألیف و جمع فرایض و احکام بر اساس تنزیل است و این، غیر از کتابت و تألیف مصحف بر اساس تنزیل است که مورد ادعای موافقان می باشد. بنابراین عبارت مذکور که مورد استناد برخی قرار گرفته است، دلالتی بر کتابت و تألیف قرآن علی علیه السلام بر اساس تنزیل ندارد.

۴. نگارش مصحف به صورت تدریجی و روزنگار

یکی دیگر از روایات مورد استناد برای اثبات ترتیب نزولی بودن مصحف امام علیه السلام روایت ذیل است:

... ما نزلت علیه آیه من القرآن إلا أقرانها وأملاها علي فكتبها بخطي ودعا الله أن يفهمني [أيها] ويحفظني فما نسيت آية من كتاب الله منذ حفظتها وعلمني تأويلها... (هلالی، ۱۴۰۵: ۶۲۵/۲؛ بهجت پور، ۱۳۹۲: ۱۵۸؛ اکرمی و مرتضوی، ۱۳۹۱: ش ۱۱۵/۱).

بهجت پور درباره این روایت می نویسد:

ظاهر این روایت آن است که حضرت، مصحف مخصوص به خود را به ترتیب نزول آیات و سوره ها و در طی ایام حیات مبارک پیامبر صلی الله علیه و آله به تدریج نوشت و نکات تعلیم را نیز در کنار آن قرار داد (۱۳۹۲: ۱۵۹).

در نقد این برداشت باید گفت که این روایت دلالت نمی کند که امام علیه السلام صحیفه یکپارچه و واحدی داشته و آیات را به ترتیب نزول و به ترتیب املائی پیامبر در آن می نوشته است. بلکه سخن در آن تنها از کتابت آیات است. ممکن است ایشان آیات را در صحیفه هایی متعددی نگاشته و بعد به دستور پیامبر صلی الله علیه و آله میان آن ها نظم و ترتیب داده باشد.

گفتنی است که این دلیل در قالب یک دلیل عقلی نیز مطرح شده است: سیر طبیعی نزول چنین اقتضا می کرده است که نگارش امام علی علیه السلام روزنگار و به ترتیب نزول باشد (اکرمی و مرتضوی، ۱۳۹۱: ش ۱۱۷/۱).

گویا کسانی که ترتیب مصحف امام علیه السلام را به این اعتبار بر اساس ترتیب نزول دانسته اند، آن را دفتری نانوشته فرض کرده اند که فراگیرنده به ترتیب فراگیری دروس از استاد، آن را تکمیل می کند. اما چه منبعی تأییدکننده این موضوع است که مصحف

امام علیه السلام دارای چنین ویژگی است؟ از کجا به دست آمده که ایشان سوره‌ها یا فقرات نزول را در صحیفه‌هایی جداگانه نوشته و سپس به دستور پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آن‌ها را به هم متصل نکرده باشد؟ نتیجه اینکه از روایت مذکور نیز نمی‌توان ترتیب نزولی بودن مصحف امام علیه السلام را برداشت نمود.

نتیجه‌گیری

در بین روایات مورد استناد عالمان و محققان شیعه از منابع شیعی، روایتی که دلالت بر تنظیم مصحف امام علیه السلام بر اساس ترتیب نزول داشته باشد، وجود ندارد و اگر درباره برخی از روایات بتوان این احتمال را مطرح نمود، تنها در ردیف سایر احتمالات است و قابل استناد نیست. مصحف امام علی علیه السلام از زمان نگارش تا کنون مخفی بوده است و نمی‌توان ترتیب آن را از این روایات به دست آورد و علم آن را باید به اهل بیت علیهم السلام که وارثان حقیقی آن هستند، واگذار نمود.

کتاب‌شناسی

۱. ابن ابی‌زینب، محمد بن ابراهیم، *الغیبه (للنعمانی)*، ترجمه فهری، چاپ چهارم، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۲ ش. و تهران، صدوق، ۱۳۹۷ ق.
۲. ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، *مناقب آل ابی‌طالب (علیه السلام)*، قم، علامه، ۱۳۷۹ ق.
۳. ابن منظور، محمد بن مکرم، *لسان‌العرب*، چاپ سوم، بیروت، دار صادر، ۱۴۱۴ ق.
۴. اکرمی، ایوب و سیدمحمد مرتضوی، «مبانی و پیش‌فرض‌های رویکرد تفسیر ترتیب نزولی قرآن»، *مطالعات تفسیری*، سال سوم، شماره ۱۱، پاییز ۱۳۹۱ ش.
۵. ایازی، سیدمحمدعلی، *مصحف امام علی (علیه السلام)*، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۰ ش.
۶. بازرگان، مهدی، *سیر تحول قرآن*، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۵ ش.
۷. بلاغی نجفی، محمدجواد، *آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن*، قم، بنیاد بعثت، ۱۴۲۰ ق.
۸. بهجت‌پور، عبدالکریم، *تفسیر تنزیلی، مبانی اصول، قواعد و فوائد*، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۲ ش.
۹. جفری، آرتور (مصحح)، *مقدمتان فی علوم القرآن* (مقدمه کتاب المبانی و مقدمه ابن عطیه)، قاهره، مکتبه الخانجی، ۱۳۹۲ ق.
۱۰. جوان آراسته، حسین، *در سنامه علوم قرآنی*، چاپ ششم، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۰ ش.
۱۱. حجتی، سیدمحمدباقر، *پژوهشی در تاریخ قرآن کریم*، چاپ ششم، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۲ ش.
۱۲. حسکانی، عیبدالله بن احمد، *شواهد التنزیل لقواعد التفضیل*، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۴۱۱ ق.
۱۳. حلّی، حسن بن علی بن داود، *الرجال*، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۴۲ ش.
۱۴. داوودی، حافظ شمس‌الدین محمد بن علی بن احمد، *طبقات المفسرین*، بیروت، لبنان، دار الکتب العلمیه، بی‌تا.
۱۵. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، *المفردات فی غریب القرآن*، دمشق، بیروت، دار العلم، الدار الشامیه، ۱۴۱۲ ق.
۱۶. رامیار، محمود، *تاریخ قرآن*، چاپ سوم، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۹ ش.
۱۷. زرقانی، محمد عبدالعظیم، *مناهل العرفان فی علوم القرآن*، بی‌جا، دار احیاء التراث العربی، بی‌تا.
۱۸. زرکشی، محمد بن عبدالله، *البرهان فی علوم القرآن*، بیروت، دار المعرفه، ۱۴۱۰ ق.
۱۹. زنجانی، ابوعبدالله، *تاریخ القرآن*، تهران، منظمه الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ ق.
۲۰. زیان، فاطمه، «مصحف امیرالمؤمنین (علیه السلام) و ترتیب آن»، معرفت، سال بیست و یکم، شماره ۱۸۰، آذر ۱۳۹۱ ش.
۲۱. سزگین، فؤاد، *تاریخ التراث العربی*، قم، کتابخانه آیه‌الله مرعشی نجفی، ۱۴۱۲ ق.
۲۲. سیوطی، جلال‌الدین عبدالرحمن، *الاتقان فی علوم القرآن*، چاپ دوم، بیروت، دار الکتب العربی، ۱۴۲۱ ق.
۲۳. همو، *الدر المنثور فی تفسیر المأثور*، قم، کتابخانه آیه‌الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ ق.
۲۴. شاکر، محمدکاظم، «تفسیر بر اساس ترتیب نزول با سه قرائت»، *پژوهش‌های قرآنی*، سال شانزدهم، شماره‌های ۶۲-۶۳، تابستان و پاییز ۱۳۸۹ ش.

۲۵. الشریف الرضی، محمد بن حسین، *خصائص الائمة الطاهرة* (خصائص امیر المؤمنین علیه السلام)، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۴۰۶ ق.
۲۶. شهرستانی، محمد بن عبدالکریم، *تفسیر الشهرستانی المسمی مفاتیح الاسرار و مصابیح الابرار*، تحقیق و تعلیق محمدعلی آذرشب، تهران، مرکز البحوث و الدراسات للتراث المخطوط، ۱۳۸۶ ش.
۲۷. صالحی، سیدعباس، «مبایع علوم قرآنی و تفسیر ترتیب نزولی» *پژوهش‌های قرآنی*، سال شانزدهم، شماره‌های ۶۲-۶۳، تابستان و پاییز ۱۳۸۹ ش.
۲۸. صدوق، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه، *اعتقادات الامامیه*، چاپ دوم، قم، کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۴ ق.
۲۹. صفار، محمد بن حسن، *بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد صلی الله علیهم*، چاپ دوم، قم، مکتبه آیة الله المرعشی النجفی، ۱۴۰۴ ق.
۳۰. طباطبایی، سیدمحمدحسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، چاپ پنجم، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۷ ق.
۳۱. طباطبایی، سیدمحمدحسین و قاسم هاشمی، *الاعجاز و التحدی فی القرآن الکریم*، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۲۳ ق.
۳۲. طبرسی، احمد بن علی، *الاحتجاج علی اهل اللجاج*، مشهد، مرتضی، ۱۴۰۳ ق.
۳۳. عاملی، سیدجعفر مرتضی، *حقائق هامة حول القرآن الکریم*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۰ ق.
۳۴. عسکری، سیدمرتضی، *القرآن الکریم و روایات المدرستین*، چاپ دوم، تهران، مجمع علمی الاسلامی، ۱۴۱۶ ق.
۳۵. عیاشی، محمد بن مسعود، *تفسیر العیاشی*، تهران، المطبعة العلمیه، ۱۳۸۰ ق.
۳۶. فانی اصفهانی، سیدعلی، *آراء حول القرآن*، بیروت، دار الهادی، ۱۴۱۱ ق.
۳۷. فراهیدی، خلیل بن احمد، *کتاب العین*، چاپ دوم، قم، هجرت، ۱۴۱۰ ق.
۳۸. فرشچیان، رضا، *امام علی علیه السلام و مبانی علوم قرآنی*، کرمان، دانشگاه شهید باهنر کرمان، ۱۳۸۷ ش.
۳۹. فقهی زاده، عبدالهادی، *پژوهشی در نظم قرآن*، تهران، جهاد دانشگاهی، ۱۳۷۴ ش.
۴۰. قمی، علی بن ابراهیم، *تفسیر القمی*، چاپ سوم، قم، دار الکتب، ۱۴۰۴ ق.
۴۱. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، *الکافی*، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ ق.
۴۲. کورانی عاملی، علی، *تدوین القرآن*، قم، دار القرآن الکریم، بی تا.
۴۳. مجلسی، محمدباقر، *بحار الانوار*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
۴۴. همو، *مرآة العقول فی شرح اخبار آل الرسول*، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۰۴ ق.
۴۵. مسعودی، علی بن حسین، *اثبات الوصیه للامام علی بن ابی طالب*، قم، انصاریان، ۱۳۸۴ ش.
۴۶. معرفت، محمدهادی، *التمهید فی علوم القرآن*، چاپ دوم، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۵ ق.
۴۷. همو، *تاریخ قرآن*، چاپ پنجم، تهران، سمت، ۱۳۸۲ ش.
۴۸. مفید، محمد بن محمد بن نعمان عکبری، *الارشاد*، ترجمه رسولی محلاتی، چاپ دوم، تهران، اسلامیه، بی تا.
۴۹. همو، *المسائل السرویه*، قم، کنگره جهانی شیخ مفید، ۱۴۱۳ ق.
۵۰. موسوی خوئی، سیدابوالقاسم، *البیان فی تفسیر القرآن*، قم، مؤسسه احیاء آثار الامام الخوئی، بی تا.
۵۱. موسوی مبلّغ، سیدمحمدحسین، «مصحف امام علی علیه السلام از منظر قرآن پژوهان»، مشکوه، شماره‌های ۶۸-۶۹، پاییز و زمستان ۱۳۷۹ ش.

۵۲. مهدوی راد، محمدعلی، «میراث مکتوب علوی»، علوم حدیث، شماره‌های ۳۷-۳۸، پاییز و تابستان ۱۳۸۴ ش.
۵۳. ناصحیان، علی اصغر، «مصحف علی علیه السلام از منظر احادیث»، آموزه‌های قرآنی، شماره ۱۲، زمستان ۱۳۸۹ ش.
۵۴. نکونام، جعفر، «بررسی جدیدترین نظریه درباره ترتیب نزول آیات»، پژوهش‌های فلسفی-کلامی، شماره ۱، پاییز ۱۳۷۸ ش.
۵۵. همو، «ترتیب مصحف امام علی علیه السلام؛ موافق نزول یا موافق موجود؟»، پژوهش‌نامه قرآن و حدیث، شماره ۲، تابستان ۱۳۸۶ ش.
۵۶. همو، «تفسیر تاریخی قرآن کریم»، پژوهش دینی، شماره ۱۹، پاییز و زمستان ۱۳۸۸ ش.
۵۷. همو، پژوهشی در مصحف امام علی علیه السلام، رشت، کتاب مبین، ۱۳۸۲ ش.
۵۸. هلالی، سلیم بن قیس، کتاب سلیم بن قیس الهلالی، قم، الهادی، ۱۴۰۵ ق.

